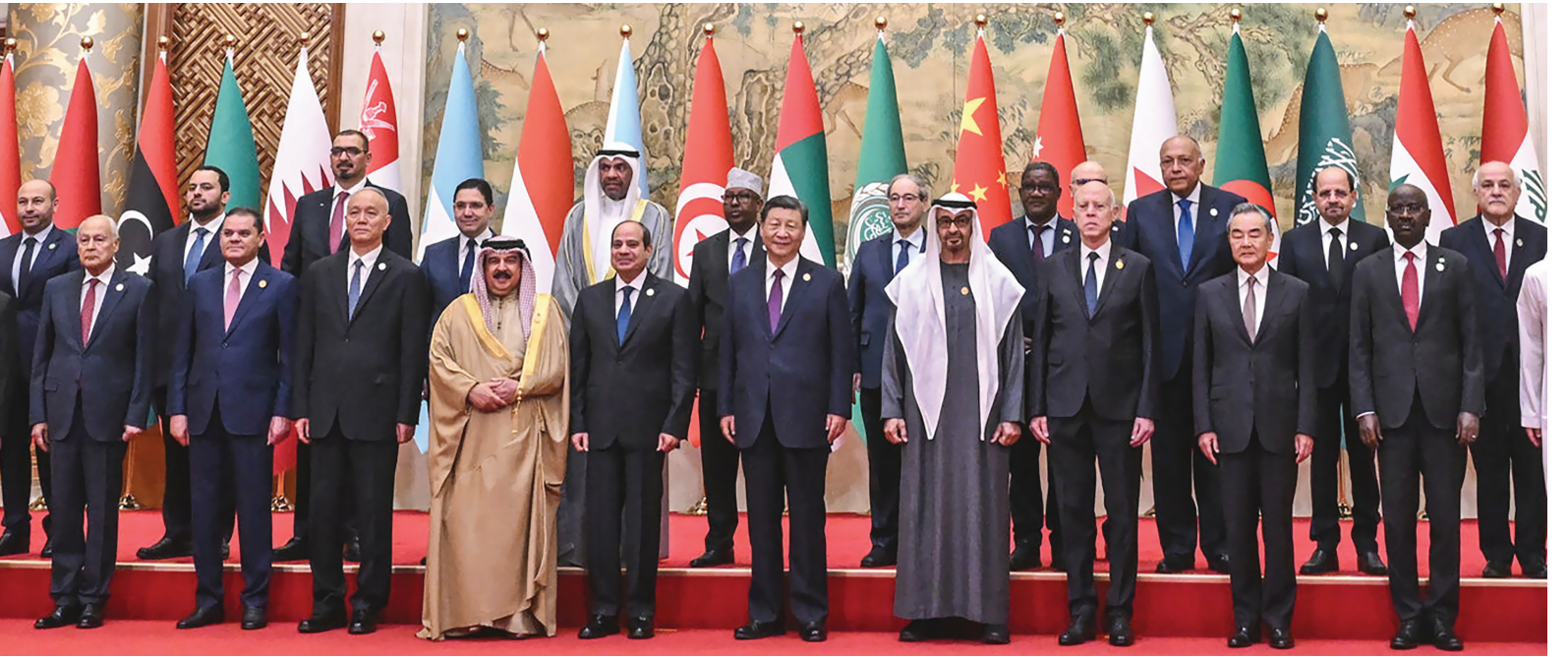


چین میانجی خوبی است چون نگاه صفر و یک ندارد

حامد وفایی، کارشناس مسائل چین در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به ظرفیت‌های این کشور برای اثرگذاری بر تحولات غرب آسیا پرداخت



علی مزرعی خبرنگار گروه نقد روز

به قدرت‌های سنتی نگاه می‌کنیم؛ یعنی یک آمریکای متخاصم و یک روسیه که در بسیاری از حوزه‌ها با ما رقابت دارد.»

ما برنامه‌ای برای همکاری با چینی‌ها در مسائل منطقه نداریم

در ادامه بررسی ظرفیت‌های چین در منطقه غرب آسیا، حامد وفایی، کارشناس مسائل چین، به تحلیل ابعاد مختلف همکاری‌های این کشور با جمهوری اسلامی ایران و چگونگی تأثیر آن بر تحولات منطقه پرداخت. وی با تأکید بر اینکه حتی در برخی موارد، ایران با روس‌ها نیز در تاریخ مشکلاتی داشته است، به تمایل چین به عنوان یک قدرت نوظهور و مشارکتی اشاره کرد و گفت: «به نظر می‌رسد ما هنوز برنامه‌ای برای همکاری با چینی‌ها در این حوزه نداریم که نیاز به بازنگری دارد. به ویژه با توجه به برنامه‌های چین در این منطقه، ظرفیت‌های گسترده‌ای برای همکاری وجود دارد.» وفایی تصریح کرد حضور چین در منطقه نباید منحصر به انرژی بررسی شود و گفت: «این نگرش مربوط به ۱۵ سال پیش است که چینی‌ها عمدتاً خریدار نفت بودند. اکنون حضور چین ابعاد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک پیدا کرده است. همچنین، جنبه‌های فرهنگی نیز وجود دارد؛ مثلاً چین و روسیه در آسیای مرکزی رقابت‌های ژئواکونومیک دارند.» وی افزود: «چینی‌ها ابعاد مختلفی را در منطقه دنبال می‌کنند و اهداف ژئواکونومیک در میان اهداف چینی‌ها، و ویژه با توجه به مسئله توسعه‌ای که به دنبال آنند، بزرگ‌تر از سایر اهداف است. قطعاً چین می‌تواند از بازوهای خود در منطقه استفاده کند.» وفایی به اقدامات عربستان سعودی در این راستا اشاره کرد و گفت: «عربستان سعودی به خوبی این موضوع را درک کرده و با اقداماتی مانند فروش ۴۹ درصد سهام خط لوله آرامکو به چینی‌ها، عملاً یازداندگی را ایجاد کرده است. عربستان با این کار، از ابزار ژئواکونومیک در حوزه‌های ژئوپلیتیکی استفاده کرده است. این کار دقیقاً کاری است که جمهوری اسلامی می‌تواند انجام دهد، اما لازمه آن درک و فهم سیاست‌های چین و گفت‌وگوی راهبردی با چینی‌هاست.» وی در ادامه به روابط ایران و چین اشاره کرد و گفت: «این مشارکت، براساس ظرفیت‌ها و نیازهای دو طرف تنظیم شده است و نباید آن را شوخی گرفت. اما به نظر می‌رسد که کشور ما هنوز به خوبی از این ظرفیت استفاده نکرده است. امیدوارم نگاه راهبردی واقعی برای بهره‌برداری از این حضور مهم چینی‌ها در منطقه وجود داشته باشد.»

چین با تکیه به اصل «عدم تعهد» به مسئله فلسطین می‌نگرد

وفایی همچنین به نزاع چین با قدرت‌های غربی مانند آمریکا و یارانش پرداخت و گفت: «چین تلاش می‌کند به عنوان یک میانجی در بحران‌های غرب آسیا شناخته شود و می‌تواند از این نزاع به نفع خود استفاده کند. چینی‌ها همان‌طور که در غرب، سیاست نگاه به شرق را نیز دنبال می‌کنند و در تلاشند تا گسترش خود را به غرب از طریق خشکی و دریا عملی کنند.» وی در ادامه افزود: «اینکه چین چگونه می‌تواند برای آتش‌بس فعالیت کند، نکته‌ای مهم است. برخلاف آنچه در سیاست‌های سنتی غربی‌ها مشاهده می‌شود که در آنها یک دیدگاه صفر و یکی یا حاصل جمع صفر حاکم است، چین چنین نگاهی ندارد. آنها به دنبال ایجاد تعادل و هم‌زیستی در سطح بین‌المللی‌اند.» این کارشناس مسائل چین، به بررسی «اصل عدم تعهد» در سیاست خارجی چین و ظرفیت‌های این کشور برای ایفای نقش میانجی در مناقشه فلسطین و اسرائیل پرداخت و تأکید کرد که اگر چین بخواهد بین رژیم صهیونیستی و فلسطینی‌ها مصالحه برقرار کند، رویکردش کاملاً متفاوت از آمریکایی‌ها خواهد بود. وفایی بیان کرد: «در حالی که آمریکایی‌ها به طور آشکار به سمت اسرائیل تمایل دارند و فارغ از بحث‌های حقوق بشر و چهارچوب‌های بین‌المللی به حمایت از صهیونیست‌ها می‌پردازند، چین به هیچ وجه به این شکل نیست.» وفایی ادامه داد که سیاست خارجی چین در موضوع فلسطین با جمهوری اسلامی تفاوت دارد و چینی‌ها قائل به دو کشورند. این موضوع نشان می‌دهد که چین به اهداف جمهوری اسلامی رادر منطقه تأمین کند. «این بدان معناست که فلسطین به عنوان یک کشور مستقل شناخته خواهد شد و در نهایت اسرائیلی‌ها مجبور خواهند شد تا در برخی موارد عقب‌نشینی کنند و حقوق فلسطینی‌ها را به رسمیت بشناسند.»

چین تغییر پایتخت اسرائیل به قدس را محکوم کرد

وفایی به مواضع چین در مقایسه با آمریکا اشاره کرد و گفت: «برخلاف آمریکایی‌ها که حتی تغییر پایتخت رژیم اسرائیل را به رسمیت شناختند، چینی‌ها این اقدام را محکوم کردند. این موضع‌گیری ناشی از سیاست است که چینی‌ها در سیاست خارجی خود دارند و آن این است که به هیچ سمتی تمایل نشده و راه میانه را برگزینند.» وی افزود: «چینی‌ها تلاش می‌کنند در مورد مسئله فلسطین و اسرائیل نیز همین رویکرد را اتخاذ کنند. این نکته بسیار مهم است، زیرا نسبت به آمریکایی‌ها یک گام به جلو محسوب می‌شود. آمریکایی‌ها حاق را به طور مطلق به رژیم اسرائیل می‌دهند و از هرگونه چهارچوب و خطوط قرمز فارغند. در حالی که چینی‌ها به صراحت اشغالگری اسرائیلی‌ها و کشتار فلسطینی‌ها را محکوم می‌کنند.» وفایی همچنین به تأثیر حضور چین در این معادله پرداخت و گفت: «حضور چنین قدرتی می‌تواند فضای تسهیلاتی ایجاد کند و فضای خشن و رادیکالی که حاصل یک جنبه‌گرایی عربیان آمریکایی‌ها و غربی‌هاست را تعدیل کند. مراحل بعدی ممکن است شامل مذاکرات و پیشرفت گام‌به‌گام باشد. اما در حال حاضر، در شرایطی هستیم که گروه‌های مقاومت تحت فشار قرار دارند و فلسطینی‌های بی‌گناه در حال کشته شدن‌اند.» وی به گفته‌های وی، و بیجه، داروخانه‌ها و بیمارستان‌ها مورد بمباران قرار

ترکیه علی‌رغم اتخاذ مواضع انتقادی شراکت با صهیونیست‌ها را ادامه می‌دهد، سعودی‌ها همان مواضع انتقادی را هم ندارند

تماشاچیان جنایت‌تانیاهو

علی مزرعی خبرنگار گروه نقد روز

در شرایطی که منطقه خاورمیانه با تنش‌های فزاینده و درگیری‌های جدید روبه‌رو است، نقش ایران در حمایت از مردم غزه، لبنان و گروه‌های مقاومت به وضوح توانسته تأثیرگذاری مهمی را در فضای افکار عمومی منطقه ایجاد کند. این اقدامات، قدرت نرم ایران را افزایش داده و موجب جلب حمایت‌های مردمی در میان ملت‌های منطقه شده است. در این میان، رویکرد عملی و حمایت‌های واقعی ایران از محور مقاومت، باعث شده است تا در مقایسه با سایر کشورها، از جمله عربستان و ترکیه که صرفاً به اظهارات ضد اسرائیلی بسنده کرده‌اند، جایگاه متفاوتی و متمایزی پیدا کند. ایران با سیاست‌های حمایتی و اقدامات عملی خود، به یک نیروی قاطع در حمایت از محور مقاومت تبدیل شده است. در مقابل، عربستان سعودی و ترکیه با سیاست‌های متزلزل و لغظاتی‌های غیرعملی نتوانسته‌اند نفوذ واقعی خود را در میان افکار عمومی منطقه گسترش دهند. قدرت نرم ایران که بر پایه حمایت واقعی و عملی از مردم منطقه استوار است، توانسته ایران را به عنوان یک بازیگر مؤثر و محبوب به ملت‌های منطقه معرفی کند.

تقویت قدرت نرم ایران

از طریق حمایت‌های عملیاتی

ایران با ارائه کمک‌های واقعی به گروه‌های مقاومت و حمایت عملیاتی از آنها، توانسته است موقعیت خود را در منطقه به عنوان یک قدرت اثرگذار و حامی مقاومت تثبیت کند. یکی از نمونه‌های بارز این قدرت نرم، واکنش‌های گسترده مردم منطقه به سخنرانی رهبر انقلاب در نماز جمعه نصر و قرائت خطبه به زبان عربی بود که با استقبال و تحسین زیادی مواجه شد. همچنین، عملیات‌های موفق و عده صادق که اهداف نظامی اسرائیل را هدف قرار داد، جلوه‌ای دیگر از تأثیرگذاری قدرت نرم ایران را به نمایش گذاشت و جایگاه ایران به عنوان حامی مقاومت را مستحکم‌تر کرد. علاوه بر این، سفر مقامات بلندپایه ایرانی به لبنان در شرایطی که تهدیدات اسرائیل برای حمله به هوایم‌های ایرانی در فرودگاه بیروت وجود داشت، نشان دهنده رویکرد قاطع و جسورانه ایران بود. سفر عباس عراقچی به بیروت و سپس سفر محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که با پرواز تحت هدایت خود و به عنوان خلبان انجام شد و عبور از بالای سر نوا اسرائیلی، پیام روشنی از عزم و قدرت ایران را به منطقه ارسال کرد. اقداماتی همچون حضور رئیس مجلس در بین مردم جنگ‌زده بیروت نمادی از تعهد عملی ایران به محور مقاومت است و موجب افزایش حمایت و تشویق مردمی از ایران در کشورهای منطقه شده است.

عربستان برای مردم غزه عقب‌نشینی کرد

یا پیروزی ترامپ

در مقابل رویکرد فعال ایران، عربستان سعودی تا پیش از عملیات طوفان الاقصی به طور جدی به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل بود. پروژه‌های متعددی از جمله خریدور اقتصادی آپیک نیز در همین راستا پیگیری می‌شد. با این حال، پس از شدت گرفتن حملات اسرائیل به غزه و کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان، عربستان مجبور به تغییر موضع شد. این کشور از پروژه عادی‌سازی عقب‌نشینی و اعلام کرد هرگونه پیشرفت در این زمینه منوط به پایان جنگ و توقف حملات به مردم غزه خواهد بود. با وجود این عقب‌نشینی ظاهری، به نظر می‌رسد ریاض همچنان به عادی‌سازی روابط با اسرائیل فکر می‌کند و احتمالاً منتظر تحولات سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و پیروزی احتمالی دونالد ترامپ است. البته که تداوم جنگ غزه احتمالاً برای ترامپ نیز بزرگ برنده محسوب می‌شود؛ چراکه او با جنگ طلب توصیف‌کردن بایدن خواهد توانست رقابت انتخاباتی را به نفع خود پایان ببرد. در واقع، عربستان سعودی در حال حاضر ناظرانگر وضعیت است و اظهارات آن در قبال اسرائیل بیشتر جنبه نمادین دارد تا تغییر واقعی در سیاست خارجی‌اش.

ترکیه در لفاظی افراط

و در عمل تقریباً را پیشه کرده است

ترکیه، به عنوان یکی دیگر از کشورهای منطقه، مواضع ضد اسرائیلی خود را با شدت بیشتری نسبت به سایر کشورهای مطرح کرده است. «ما در عمل هیچ‌گونه اقدام مؤثری در حمایت از مردم غزه یا مهار اسرائیل انجام نداده است. رجب طیب اردوغان که اسرائیل را بزرگ‌ترین تهدید صلح در منطقه معرفی کرده است، تقریباً هر روز اظهار نظرهایی بدیدنی علیه این رژیم بیان می‌کند، اما این اظهارات بیشتر در چهارچوب مواضع سیاسی و تبلیغاتی قرار می‌گیرند تا اقداماتی واقعی. با وجود اظهارات تند اردوغان، ترکیه همچنان روابط اقتصادی خود را با اسرائیل ادامه می‌دهد و در حوزه‌هایی چون انرژی، همکاری‌های دوطرفه را حفظ کرده است. این رویکرد، نشان دهنده سیاست دوگانه ترکیه در قبال اسرائیل و فلسطین است که از یک سو لفاظی‌های تند علیه تل‌آویو را مطرح می‌کند و از سوی دیگر به تعاملات اقتصادی خود با این رژیم پایان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد ترکیه در تلاش است در رقابت برای نفوذ در افکار عمومی منطقه، از اقدامات عملی ایران عقب‌نماند و همین‌طور عقب‌نشینی بیند مقامات ایرانی با اقدامات قاطع و عملی خود موفق به جلب حمایت مردمی شده‌اند، با ایراد نطق‌های ضد اسرائیلی، سعی در هم‌راستایی با تحولات دارد.

تفاوت‌های رویکردی ایران با عربستان و ترکیه

رویکرد ایران در حمایت از محور مقاومت و اقدامات عملی در حمایت از فلسطینیان، در تضاد با سیاست‌های عربستان و ترکیه قرار دارد. در حالی که عربستان و ترکیه با اظهارات نامدین و لفاظی‌های تند تلاش دارند تا خود را در کنار مقاومت‌های منطقه نشان دهند، ایران با اقدامات واقعی و حضور مستقیم در معادلات منطقه‌ای، نشان داده‌آمده تحمل هزینه‌های برای حمایت از جبهه مقاومت است. این موضوع، موجب افزایش جذابیت و قدرت نرم ایران در میان ملت‌های منطقه شده و ایران را به عنوان یک نیروی اثرگذار و متفاوت در معادلات منطقه معرفی کرده است. قدرت نرم ایران در این راستا، تنها ناشی از سیاست‌های رسمی و مواضع دیپلماتیک است، بلکه ریشه در اقدامات عملیاتی دارد که موجب تقویت روابط مردمی با محور مقاومت شده است. ایران با حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین و مشارکت در معادلات منطقه، به یکی از بازیگران اصلی در خاورمیانه تبدیل شده است. این رویکرد قاطعانه و بی‌پروایانه در مقایسه با سیاست‌های عربستان و ترکیه، توانسته جایگاه ویژه‌ای برای ایران در میان ملت‌های مسلمان و عرب منطقه ایجاد کند.